ابوعلی سینا



ARTISTIC REPRESENTATION OF AVICENNA

۲۸ خردادماه، سالروز درگذشت «ابن‌سینا» حکیم و دانشمند ایرانی است که روش تأثیر گذار او بر تفکر علمی و برخورد اندیشمندانه‌اش با عناصر خرافی و ارتجاع دینی عمده‌ترین سهم او بر میراث فکری و فرهنگ بشری نسل‌های پس از خود چه در غرب و چه در شرق است.

«ابوعلی عبدالله‌بن‌حسین سینا» معروف به «ابن سینا» از سال ۹۸۰ تا ۱۳۰۷ میلادی (۳۷۰ تا ۴۲۸ هجری قمری) زیسته‌است. او در «افشنه» نزدیک روستای «خُرمَیثَن» به دنیا آمد. این روستا در نزدیکی «بخارا» در «ازبکستان» امروز قرار دارد که در آن زمان بخشی از قلمرو سامانیان بوده‌است. بنا بر پژوهش‌های انجام شده، مادر «ابوعلی سینا»، «ستاره» اهل «افشنه» بوده و پدر او نیز ایرانی و زادگاهش «بلخ» بوده‌است.

پدر «ابوعلی سینا» از باورمندان عمیق مذهب اسماعیلی بود که به هنگام جوانی عزم «بخارا» کرد و در آنجا به‌عنوان مأمور دریافت مالیات در دربار «امیر نوح‌بن سامانی» به کار مشغول شد. پس از مدتی امیر، او را به «افشنه» فرستاد و در آنجا بود که او با «ستاره» ازدواج کرد. حاصل این ازدواج، دو پسر بود که «ابوعلی»، پسر بزرگتر آن‌هاست. این خانواده زمانی که «ابوعلی» پنج ساله بود به «بخارا» مهاجرت کردند.

در مورد استعداد و هوش «ابوعلی سینا» بسیار گفته‌اند از جمله این‌که در سن هفت‌سالگی، قرآن را از حفظ می‌خواند و در ده‌سالگی از یک شخص بقال، ریاضیات و فقه اسلامی و شیوه‌ی مباحثات مذهبی را آموخت. زمانی که دانش آن بقال دیگر جوابگوی خواست‌های او نبود، «ابوعبدالله ناتلی» که فیلسوف برجسته‌ای بود، آموزش او را به عهده گرفت.

«ابوعلی» جوان، نزد «ناتلی»، منطق، هندسه‌ی اقلیدس و المجسطی را فراگرفت و پس از آن، علوم طبیعی را بدون کمک معلم و استاد آموخت. از آموختن این علوم که فارغ شد، تصمیم به آموختن طب گرفت.

او بیشتر کتاب‌های آن زمان را از جمله کتاب‌های «حنین» و «زکریای رازی» را بارها و بارها خواند و بر این دانش نیز احاطه یافت. چیرگی او بر دانش پزشکی آن زمان تا آن جا بود که در سن شانزده‌سالگی، «امیرنوح سامانی» را معالجه کرد و به پاس آن اجازه یافت که از کتابخانه‌ی سلطنتی امیر که دارای مجموعه‌ای غنی از کتاب‌های نفیس بود راه یابد و به مطالعه بپردازد. مطالعه‌ی چنان کتاب‌هایی برای «ابن سینا» بسیار مغتنم بود چنان‌که او بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذراند.

«ابوعلی» در شرح حالی که خود نگاشته است درباره منابع آن کتابخانه می‌گوید: « هر کتابی را که نیاز داشتم در آن جا پیدا کردم. گذشته از آن، در آن کتابخانه، کتاب هایی یافتم که نام آنها به گوش بسیاری از مردم نرسیده بود و من نیز پیش از آن ندیده بودم و پس از آن هم ندیدم . من توانستم آن کتاب ها را بخوانم و از آنها بهره ببرم و چون به سن هجده سالگی رسیدم ، از همه این دانش‌ها فارغ آمدم .»

اما این کتابخانه در سال ۱۰۰۰ میلادی دچار حریق شد و در آتش سوخت. دردناک‌تر آن که او از جانب افراد مخالف، به آتش‌زدن کتابخانه متهم شد. هم‌زمان کشمکش‌های گوناگونی در اطراف «بخارا» هر روز در حال شکل گرفتن بود. در این کشاکش‌ها، افرادی که «ابن سینا» را اسماعیلی می‌دانستند، به مخالفت و کارشکنی علیه او برخاستند.

«ابوعلی سینا» چندی بعد در سال ۱۰۰۰ میلادی، پس از درگذشت پدر خویش، به جای او، به عنوان پیشوای مذهب اسماعیلی به انجام وظیفه پرداخت. این کار، بسیاری را علیه او برانگیخت. علاوه بر این، عوامل گوناگون دیگری از جمله آشفتگی اوضاع سیاسی «بخارا»، او را واداشت که در سن بیست و یک سالگی، به «گرگانج» پایتخت امراء مأمونیه‌ی خوارزم، نقل مکان کند.

در «گرگانج»، شهری در کنار رود سیحون، او با استقبال گرم «ابوالحسن محمد سهیلی» روبه‌روشد. «ابوالحسن سهیلی» خود از بزرگان و فضلای عصر بود که وزارت «امیرعلی» را نیز عهده‌دار بود. چندی در آن دیار به سر برد و در آرامشی که به دست آورد، توانست برخی از آثار و کتاب‌های خود را تألیف کند.

پس از آن در نتیجه‌ی نفوذ «محمودبن سبکتکین» در خوارزم و تعصب و تنگ نظری سلطان محمود، مجبور شد به همراهی «ابوسهل مسیحی» پیش از سال ۴۰۳ ، « گرگانج » را از راه بیابان‌های «خوارزم» ترک کند و از راه «نسا»، «ابیورد»، «توس»، «سمنان»، «شقاق» و «جاجرم» به «گرگان» برود.

مسیر سفرهای « ابوعلی سینا »

هدف «ابن سینا» از قبول و تحمل رنج سفر آن بود که به دربار «شمس‌المعالی قابوس وُشمگیر» برسد که شنیده بود حرمت دانشمندان و اهل ادب را می‌شناسد. اما در این میان خبر رسید که او را به قتل رسانده‌اند. از این رو،

«ابن سینا»، به سوی گرگان رهسپار شد. در آنجا نیز آرامشی به کف آورد و توانست به نوشتن کتاب «قانون»، «رساله‌ی سرگذشت»، «المبدأ و المعاد»، «ارصادالکلیة» و «خلاصةالمجسطی» بپردازد.

او زمانی بعد به «همدان» رفت. در این شهر مدت نه سال ماندگار شد و وزارت «شمس‌الدوله ابوطاهرشاه خسرو دیلمی» را پذیرفت. در زمان وزارت او بود که سپاهیان «شمس‌الدوله» علیه او طغیان کردند و برکناری او را از این شغل خواستار شدند. «ابوعلی» نیز مجبور شد که خود را از این آشفتگی و خطر دورسازد.

او به مدت چهل روز در خانه‌ی «ابوسعیدبن خدوک» پنهان شد و پس از آن بار دیگر به وزارت «شمس‌الدوله» منصوب گردید. البته پرداختن به امر وزارت، او را از کار نوشتن باز نداشت. در همان زمان بود که به تألیف کتاب «الشفا» پرداخت و از تدریس نیز غافل نگردید. چندی بعد «شمس‌الدوله» درگذشت و پسر او «سماءالدوله» به سلطنت رسید که از «ابوعلی» خواست وزارت او را نیز بر عهده گیرد. اما «ابوعلی سینا» نپذیرفت و ترجیح داد تا با فراغت بیشتر به نوشتن آثار خود در زمینه‌های گوناگون بپردازد.

نپذیرفتن شغل وزارت «سماءالدوله» بهانه‌ای شد تا به جرم مکاتبه با «علاءالدوله کاکویه»، او را در قلعه‌ی «فردجان» واقع در ناحیه‌ی «فراهان» کنونی به مدت چهار ماه زندانی سازند. او در مدت بازداشت و اسارت خود در این نقطه، به نوشتن آثار دیگری چون «کتاب‌الهدایت»، ترجمه و شرح«رساله‌ی حی‌بن‌یقظان»، کتاب «القولنج» و «تدبیرالمنازل» پرداخت.

«ابوعلی سینا» پس از رهایی از زندان، ، درجامه‌ی صوفیان، از همدان گریخت و به اصفهان نزد «علاءالدوله کاکویه» رفت. نزد او، با حرمت پذیرفته شد. این پادشاه، از «ابن سینا» خواست که او را در سفر و حضر و جنگ و صلح همراهی کند. در یکی از همین سفرها بود که «ابوعلی» به گردآوری جدول‌های نجومی جدیدی پرداخت.

«ابن‌سینا» مدت پانزده سال نیز در اصفهان زندگی کرد. «علاءالدوله» همواره او را گرامی می‌داشت و توانائیش را ارج می‌نهاد. این پادشاه، جلساتی ترتیب می‌داد که در آن مردان مشهور علم و فلسفه در باره‌ی موضوعات مورد علاقه‌شان به بحث می‌پرداختند. «ابن سینا» در دستگاه حکومتی اصفهان هیچگونه مقام رسمی نداشت و وارد سیاست نیز نشد. او تقریباً تمام وقت خود را به نوشتن گذراند. کتاب «شفا» و «قانون» را به اتمام رسانید و به نوشتن شرحی بر «المجسطی» افلاطون پرداخت و نخستین کتاب خود را به زبان فارسی در باره‌ی فلسفه تألیف کرد. این دوران، در حقیقت بهترین دوران زندگی «ابوعلی سینا» بوده است. او به زبان عربی تسلط فراوان داشت.

کتاب قانون / «حمید حمید» در مقاله‌ای که در فصلنامه‌ی «ایرانشناسی» با عنوان «ابن‌سینا فرزانه ای متعلق به فرهنگ انسانی» می‌نویسد:

«ابن‌سینا که عمده‌ترین سهم خویش را در عرصه‌ی علم، فلسفه و تفکر عقلی تحت چنان شرایط مسلطی ایفا کرد، بر تفکر علمی و فلسفی نسل‌های پس از خود چه در شرق و چه در غرب نفوذ عمیقی برجای نهاد. نیازی به بیان تشریحی این حقیقت نمی‌بینم که «توماس آگوئیناس Thomas Aguinas» آن‌چنان از ابن‌سینا تأثیر گرفته‌است که تنها در قسمت اول از کتاب خود به‌نام «جامع الهیات» بیشتر از دویست و پنجاه بار برای تأیید مطلب خود از ابن‌سینا نقل قول می‌کند.

فورلانی Furlani تأثیر «ابن‌سینا» را در نخستین مهره‌ی فلسفه‌ی نوین یعنی در دکارت بازمی‌یابد و «ترویلو» به دنبال فلسفه‌ی ابن‌سینا در نزد «الکساندر دوهالس Alexander de Hales»، «بونا ونتوره Bonaventura»، «روژر بیکن Roger Bacon» و «دونس اسکات Dunas Scotus» می‌رود و رستاخیزی آن را در مکتب‌های پادوا و بولونیا و در پیه‌ترو پومپوناتزی در رنسانس می‌یابد.

فیلسوف معاصر آلمان «ارنست بلوخ Ernest Bloch» تأثیر «ابن‌سینا» را در «داوید دو دینان David de Dinant» ، «پیترو دابانو Pietro d'Abano »، «جئوردانو برونو Giordano Bruno» و «اسپینوزا Spinoza» باز می‌یابد.

میراثی با وسعت تأثیری چنین عظیم، خود از آبشخور فرهنگ گسترده‌ای سیراب شده بود. واقعیت این که «ابن‌سینا» در کار عمیق و بسیار متنوع خود، از یک‌سو بر سنن علمی و فرهنگی یونان ناظر بود و از سوی دیگر بر سنن علمی ـ فلسفی و فرهنگی ملل شرق به‌ویژه ایران زرتشتی و هند و دیگر کشورهای منطقه نظر داشت.»

در جایی دیگر در همین مقاله، «حمید حمید» بر تأثیر فرهنگ شرق و غرب بر تفکرات «ابن‌سینا» نیز باز هم تاکید می‌کند:

« در ارتباط با دستاوردهای فلسفی و علمی متفکران ایرانی و آثار آنان باید از یاد نبرد که در آستانه‌ی روئیدن تفکر مستقل فلسفی در میان فرزانگان مسلمان ایرانی، آثار افلاطون، ارسطو، ارشمیدس و جالینوس به نحو وسیعی در سراسر منطقه‌ی اسلامی، از آسیای مرکزی و ایران تا شمال آفریقا انتشار یافته بود. همزمان با انتشار ترجمه‌ی نوشته‌های سریانی و یونانی، جذب و دریافت متون مربوط به علوم طبیعی، ادبیات فلسفی و اخلاقی و کلامی هند و ایران نیز عمل گردید و به‌خصوص تأثیر آرمانی فرهنگ ایرانی قبل از اسلام، زرتشتیگری، آیین مهر، زروانیسم ، مانویت و جز اینها چه مستقیم و چه غیر مستقیم در تمامی سیر تحول فلسفه، کلام و عرفان قرون وسطی محسوس بود.»

ابن‌سینا و تاریخ داروسازی

«ابن‌سینا» را در تاریخ پزشکی و داروسازی «ملک‌الاطباء» خوانده‌اند. گفته می‌شود که در نتیجه‌ی دانش پزشکی او، طب اسلامی در آن زمان به اوج خود رسید. کتاب‌ها و آثار او در اروپای غربی تا سالها پس از قرن شانزدهم میلادی تدریس

می‌شد. آبشخور این تأثیر عظیم، بیشتر ترجمه‌ی کتاب «القانون فی‌الطب» «ابن‌سینا»ست که توسط «جراردوس کرمونِنسین» در قرن دوازدهم به زبان لاتین صورت گرفته‌است.

به دنبال ترجمه‌ی «قانون» به لاتین، این کتاب توسط «آندره آلپاگو Andrea Alpago» به زبان ایتالیایی ترجمه شد و از اواخر قرن پانزدهم میلادی، کتاب دانشکده‌های پزشکی مسیحیت در اروپا گردید. این کتاب در نیمه‌ی آخر قرن پانزدهم میلادی، شانزده بار و در قرن شانزدهم میلادی بیش از بیست بار تجدید چاپ گردیده است.

«ابوعلی سینا» به‌عنوان یک پزشک، روش‌های خود را بر اساس روش «جالینوس» و پزشکان یونانی دیگر بنا نهاد که کارشان توسط «حنین‌بن اسحاق» طبیب نستوری و پزشک مخصوص خلیفه متوکل عباسی ترجمه شده بود. او بیشتر تحت تأثیر مکتب «رازی» بود که طبق نظر برخی کارشناسان، بزرگ‌ترین طبیب دنیای اسلام و یکی از بزرگ‌ترین پزشکان همه‌ی اعصار بود.

کتاب «قانون» ابن‌سینا، دایرهٔ‌المعارف عظیمی است که بر مبنای دانش‌های پذیرفته شده‌ی همان عصر بنا شده‌است. کتاب «قانون»، خود شامل پنج کتاب دیگر است که هر کتاب در جای خود به چند فن، تعلیم، و فصل تقسیم شده‌است.

کتاب اول که کتاب اصلی است به چهار فن تقسیم شده‌است:

۱ ـ توصیف بدن انسان، تشریح و فیزیولوژی آن همراه با شرحی از اَخلاط و اَمزاج

۲ ـ بیماری های رایج، علل و عوارض احتمالی آنها

۳ ـ بهداشت عمومی که به توصیف مرگ و ضرورت آن منتهی می‌گردد

۴ ـ درمان بیماری‌های رایج

کتاب دوم در شرح چگونگی داروهاست که ۷۸۵ دارو را با منشأ حیوانی، گیاهی و معدنی آن‌ها باز می‌گوید.

کتاب سوم از ۲۲ فن تشکیل شده که در باره‌ی بیماری‌هایی است که نه فقط بر بخش مبتلا به بیماری، که بر کل بدن اثر می‌گذارند. این کتاب در باره‌ی جراحی نیز اطلاعاتی به‌دست می‌دهد.کتاب چهارم در باره‌ی بیماری‌هایی است که ویژه‌ی یک عضو نیست.کتاب پنجم در باره‌ی زهرها و پادزهرهاست. همچنین در این کتاب، درباره‌ی بیماری‌های پیچیده و درمان آنها صحبت می‌کند.

کُل آثار «ابوعلی سینا»

آثار «ابوعلی» شامل ۲۳۸ کتاب و رساله و نامه می‌شود. او تنها حکیمی است که تقریباً همه‌ی آثارش باقی مانده و بسیاری از آنها به طبع رسیده و برخی به زبانهای مختلف ترجمه شده‌است.

آثار عرفانی «ابوعلی سینا»

•الاشارات و التنبیهات:

در اصول عقاید عرفا و تعریف زاهد و عارف...

•رساله‌های زیر نیز تحقیقاتی در مسائل مربوط به تصوف دارد:

حثّ‌الذکر، ماهیهٔ‌الحزن، حی‌بن‌یقظان، الخلوط، الدعا، الزهد، الصلاهٔ و ماهیتها، رسالهٔ‌الطیر، رسالهٔ فی‌العشق، العلم‌اللدنّی، رساله‌ی سلامان و ابسال، رساله‌ی فی کلمات‌الصوفیه، فی مخاطبات الارواح بعد مفارقهٔ‌الاشباح، بیان‌المعجزات و الکرامات، مواقع‌البهام

آثار «ابوعلی سینا» در منطق و حکمت



• الاشارات و تنبیهات:

حاوی مطالبی است در حکمت و نیز در منطق و علم طبیعی و الهی. در یکی از مهمترین بخش‌های این کتاب، شرح «خواجه نصیرالدین طوسی»، به‌نام «حل مشکلات‌الاشارات» نیز آمده است.

• الانصاف:

این کتاب از جمله‌ی بزرگ‌ترین کتاب‌های شیخ بوده و در آن پس از تحقیق در اقوال مشرقی‌ها یعنی شارحان کتاب‌های ارسطو در بغداد و ممالک شرقی اسلامی و مغربی‌ها یعنی شارحان کتب ارسطو در اسکندریه و سایر مراکز زبان یونانی در شرح حکمت ارسطو، به انصاف از آن‌ها صحبت کده است. از این کتاب، بخش‌هایی باقی‌مانده‌است مانند شرح «مقالهٔ‌اللام» از «کتاب‌الحروف» ارسطو و شرح «اثولوجیا» که آن نیز به ارسطو نسبت داده شده است.

- التعلیقات علی حواشی کتاب‌النفس لارسطاطالیس

•التعلیقات یا ابحاث فی‌الحکمهٔ: شامل منطق و طبیعیات و الهیات.

•رسالهٔالحدود: شامل هفتاد اصطلاح در اقسام فلسفه

•الحکمهٔالعروضیهٔ:

«ابوعلی سینا» این کتاب را در بیست و یک سالگی به اسم «ابوالحسن احمد ابن‌عبدالله‌العروض»، همسایه‌ی خود در «بخارا» نوشته است.

•الحکمهٔالمشرقیه یا الفلسفهٔالمشرقیهٔ:

که منطق آن در دست است و به انضمام مجموعه‌ی اشعار عربی شیخ که در قاهره چاپ شده است.

•کتاب «الشفا»:

کتاب «الشفا»، مهمترین کتاب «ابن سینا» در حکمت است که چهار قسمت را شامل می‌شود: منطق، طبیعیات، ریاضیات و الهیات. هر یک از این بخش‌ها خود به فنون و مقالات و فصل‌هایی دیگر تقسیم می‌شود. ترجمه‌ی بخش هایی از این کتاب به عبری، آلمانی، لاتین، فرانسوی و فارسی در دست است.

•عیون‌الحکمهٔ:

این کتاب در منطق طبیعی و الهی نوشته شده که «امام فخر رازی» حکیم مشهور قرن ششم و آغاز قرن هفتم آن را شرح کرده‌است.

•المباحثات:

این کتاب مجموعه‌ای است از جواب‌های شیخ به سؤالاتی که از سوی شاگردان او، «بهمنیاربن مرزبان» و «ابومنصوربن زیله» مطرح شده است و به همین سبب در این کتاب از مطالب متفرق فلسفی سخن به میان آمده است.

•النجاهٔ:

خلاصه‌ای است از شفا که به قلم خود او نوشته شده و بدین‌سبب حاوی نکات جامعی در باره‌ی منطق و فلسفه است. بخش ریاضی این کتاب را «ابوعبیدعبدالواحدبن محمد جوزجانی» شاگرد شیخ از قسمت ریاضی کتاب الشفا خلاصه کرده است.

«احوال‌النفس» یا کتاب «حال‌المعاد» یا رساله‌ی «فی‌علم‌النفس اختلاف‌الناس فی امرالنفس»، مقالهٔ فی‌النفس»، «فی‌معرفهٔ‌النفس‌الناطقه»، «المبدأ الاول»، «حقایق‌علم التوحید»، «سرّالقدر»، «المبدأ و المعاد»، «رسالهٔ‌الاضحویهٔ فی امرالمعاد»، «اثبات‌النبوهٔ»، «الاخلاق و الانفعالات‌النفسانیهٔ»، «السیاسهٔ» نیز از دیگر آثار شیخ هستند.

در باب علوم شرعیه:

«ابوعلی سینا» تفسیرهایی بر بعضی از سوره‌های قرآن دارد که در واقع در تطبیق اصول عقاید فلسفی بر مبنای دین اسلام نوشته شده است:

تفسیر «ثمّ‌استوی الی‌السماء وهی‌دخان»، تفسیر «سورةالاخلاص» ، تفسیر «سورةالاعلی»، تفسیر «سورةالفلق» معروف به «المعوذةالاولی»، تفسیر «سورةالناس» معروف به «المعوّذةالثانیة».

کتاب‌های فارسی «ابن‌سینا»



دکتر «ذبیح‌الله صفا» کتاب‌های فارسی «ابن‌سینا» را در مجموعه‌ی «تاریخ ادبیات ایران» بدین‌قرار ذکر می‌کند:

از «ابوعلی سینا» فیلسوف بزرگ، چند کتاب به زبان پارسی باقی مانده‌است که بهتر دانسته‌ایم همه را ذیل یک عنوان مذکور داریم. انتساب بعضی از این کتاب‌ها به «ابن‌سینا» محقق و نسبت برخی دیگر مورد تأمل است چنان‌که می‌توان آنها را ترجمه‌هایی از آثار شیخ دانست که غالباً از اختصاصات نثر قرن ششم یا بعد از آنند. از میان کتاب‌های شیخ، نسبت «دانشنامه‌ی علایی» و کتاب «نبض» بدو مسلم است.

- «دانشنامه‌ی علایی»:

این کتاب را شیخ به خواهش «علاءالدوله کاکویه» نوشته و آن را به قصد تحقیق در منطق و طبیعیات و هیئت و موسیقی و مابعدالطبیعه تصنیف کرد اما جز به تحریر قسمت منطق و الهیات و طبیعیات، توفیق نیافت و بقیه را شاگرد او «ابوعبید جوزجانی» به‌عهده گرفت.

- «رساله‌ی نبض»:

این رساله شامل بحث در کیفیت آفرینش عناصر ، مزاج‌ها و طبایع است و نیز و بحثی در نقش خون در بدن و نیز نبض و انواع آن دارد. این کتاب از جمله نخستین کتاب‌هایی است که در فن طب نگاشته شده و حاوی اصطلاحات علمی متعدد به پارسی است.

- رساله‌ی معراجیه یا «معراجنامه»:

این رساله را «ابن‌سینا» به خواهش یکی از دوستان خود نگاشته و در باره‌ی پدیده‌ی معراج است و این‌که معراج، قاعدتاً روحانی است نه جسمانی.

- «کنوزالمعزّمین»:

شرحی است در باب طلسم و جادوگری.

- «ظفرنامه»:

ترجمه‌ای است از یک کتاب به زبان پهلوی که منسوب به بزرگمهر حکیم است. «ابوعلی سینا» آن را برای «امیر نوح‌بن سامانی» ترجمه کرده‌است.

- «حکمهٔالموت»:

ترجمه‌ای است از «حکمهٔالموت» شیخ به عربی.

- «رساله‌ی نفس»:

ترجمه‌ای است از «رساله‌ی نفس» شیخ به عربی. اصل آن در شانزده فصل و ترجمه‌ی فارسی آن نیز به همان شکل صورت گرفته است.

- «المبدأ والمعاد»:

اصل عربی این کتاب نیز در دست است. بعید نیست که این نسخه‌ی فارسی، ترجمه‌ی آن باشد.

- «اثبات‌النبوهٔ»:

یا رساله‌ی نبوت که اصل آن به زبان عربی بوده‌است. از ترجمه‌ی فارسی آن نیز نسخه‌هایی در دست است.

- «علل تسلسل موجودات»:

نسخه‌هایی از آن به نام شیخ در دست است.

- «رساله‌ی جودیه»:

این رساله در طب بوده و به نام سلطان «محمود غزنوی» است که باید در انتساب آن به «ابوعلی سینا» تردید داشت.

- «معیارالعقول»: در علم جرثقیل
- «علم پیشین و برین»
- «رساله در منطق»

- «رساله‌ی عشق»:

این رساله ترجمه‌ای است از «رسالةالعشق» خود او.

- «رساله‌ی اکسیر»
- «رساله در اقسام نفوس»
- «فی‌تشریح‌الاعضاء»
- «رساله در معرفت سموم»
- «حل مشکلات معینه» که گویا منسوب به شیخ است و نه از آن او.

آثار «ابوعلی سینا» در علم ریاضی

مهمترین آثار «ابوعلی سینا» را در علوم ریاضی باید در همان کتاب «الشفا (جزء سوم شامل: الارثماطیقی ـ علم‌الموسیقی ـ علم‌الهیئهٔ) دید. با این‌حال، «ابوعلی»، رسالات جداگانه‌ای هم در اصول و فروع علم ریاضی دارد مانند: «الزاویهٔ» یا «تحقیق مبادی‌الهندسهٔ»، «رؤیهٔ‌الکواکب‌باللیل لابالنهار»، «رسالهٔ فی‌الموسیقی»، «الفلک والمنازل» یا «المختصر فی‌علم‌الهیئهٔ»، «فی‌سبب‌قیام‌الارض‌فی‌وسط‌السماء»، «ابطال احکام‌النجوم»، «فی‌ابعادالظاهرهٔ‌للاجرام‌السماویهٔ».

آرامگاه «ابوعلی سینا»

آرمگاه «ابوعلی سینا» در نزدیکی همدان قرار دارد که در سال ۱۳۳۱ خورشیدی افتتاح شده است. البته در بخارا که زادگاه او بوده، برای تهیه‌ی تندیسی از وی، جمجمه‌ی این دانشمند بزرگ را نزد انسان‌شناس روسی «گورازیموف» فرستادند تا بر اساس شکل استخوان‌ها، نیمرخی از او تهیه گردد. بعدها یک شخص دیگر روسی به نام«آتاسیکوف»، در آن نیم‌رخ اصلاحاتی انجام داد. این تغییرات هم‌اکنون در مجسمه‌ای که توسط بانوی هنرمندی به نام «سوکولوا» ساخته شده، اعمال گردیده و هم اکنون در بیرون از کتابخانه‌ی «ابوعلی سینا» در «بخارا» کارگذاشته شده‌است.



در ایران، در سال ۱۳۳۱ خورشیدی برابر با ۱۹۵۲ میلادی، به مناسبت هزاره‌ی تولد او جشنی برگزار گردید که در آن گروهی از دانشمندان جهان شرکت داشتند. به علت آن که «ابوعلی سینا» در «بخارا» به دنیا آمده و در آن جا تحصیل کرده است، مردم کنونی این بخش ـ که زمانی جزو قلمرو سامانیان بوده و اکنون بخشی از جمهوری ازبکستان است ـ او را ازبک و ترک می‌دانند.

از طرف دیگر به دلیل آن‌که «ابن سینا» بخشی از آثار خود را به عربی نوشته است، نه تنها عرب‌زبان‌ها که مردم کشورهای اروپایی نیز در کتاب‌های تاریخی خود، کسانی همچون او، «ابوریحان بیرونی»، «زکریای رازی» و بسیاری دیگر را عرب می‌دانند.

البته آنچه مسلم است در ایرانی بودن این افراد، جای تردید نیست. در آن زمان، زبان عربی، زبان رایج و قابل قبول علم بوده است همچون زبان انگلیسی که امروز بسیاری از پژوهشگران کشورهای مختلف دنیا که زبان مادری آنان زبان دیگری است، کتاب‌های خود را به انگلیسی می‌نویسند. اگر زبان را در این موردها بخواهیم ملاک ملیت آنان قرار دهیم پس همه یا آمریکایی هستند و یا اهل انگستان. این قانومندی نیز در آن زمان در باره‌ی انبوهی از دانشمندان ایرانی نیز مصداق داشته است.

گزارشی تکمیلی در باره‌ی آرامگاه «ابوعلی سینا»

گزارشی از اولین همایش «ابن سینا» در سال۱۳۳۳

خبرگزاری «مهر» گزارشی را که دکتر «ذبیح الله صفا» برای اولین بزرگداشت «ابن سینا» در ایران (سال ۱۳۳۳) تهیه کرده، در تاریخ اول شهریور ماه ۱۳۸۳، در سایت «خیرگزاری مهر» چنین نقل می‌کند:

« بنا بر آنچه گروهی از محققان و مورخان نوشته ان، «ابن سینا» در همدان در گذشته و در زیر حصار آن شهر نیز دفن شده است. «البیهقی» ، «ابن خلکان»، «ابن العبری»، «خواند میر» و «قاضی نورالله» نیز نوشته اند که مقبره وی در همدان است.

مقبره «ابن سینا» در دره «مراد بیک» در ضلع غربی خیابان «ابوعلی» همدان یعنی خیابانی که از مرکز شهر رو به جنوب و کمی مایل به غرب امتداد دارد واقع است و در کنار آن قبر «ابوسعدی دخدوک» قرار گرفته است. «ابوسعید»، از دوستان «ابن سینا» بوده که بعد از غائله شورش سپاهیان «شمس الدولة دیلمی»، مدت چهل روز در خانه وی پنهان بوده است.

محل کنونی آرامگاه «ابن سینا» و «ابوسعید»، در همان زمینی قرار دارد که روزگاری منزل «ابوسعید» و مدتی نیز مخیفگاه شیخ ما بوده است.

این محل در آن روزگار، کنار شهر و پشت باروی جنوبی همدان بوده و تا اواخر قرن سیزدهم هجری چهارطاق کوچکی بر روی قبر آن دو قرار داشته است و چون چهار طاق مذکور به تدریج بر اثر فرسودگی رو به ویرانی می‌رفته است، یکی از شاهزاده خانم‌های دانش‌دوست قاجار به نام «نگار خانم» دختر «شاهزاده عباس میرزا» ولیعهد «فتحعلیشاه» درصدد تجدید بنا و تعمیر آن برآمده‌است.

نوشته‌اند که «نگار خانم» نخست همسر «عبدالله‌خان صارم‌الدوله» از طایفه «حاجی‌لر» بوده و پس از آن به همسری «مصطفی‌قلی‌خان اعتماد السلطنه» درآمده است. به دستور این شاهزاده خانم، به جای چهارطاق قدیم، گنبدی از آجر ساختند و دو سنگ، یکی روی قبر «ابن سینا» و دیگری روی قبر «ابوسعید دخدوک» نهادند. پس از درست شدن آرامگاه با شکوه جدید، سنگ قبرهای مذکور را در سرسرای آرامگاه قرار داده‌اند.

در شمال آرامگاه، خانه‌های مسکونی و در قسمت جنوب آن، حیاط آرامگاه قرارداشته است. کتابخانه‌ی آرامگاه که ۶۴۹ مجلد کتاب داشته به قرائت خانه‌ی «ابوعلی سینا» موسوم بوده است. در داخل آرامگاه، دور دو سنگ قبر «ابوعلی» و «ابوسعید»، نرده چوبی کوتاهی قرارداده‌اند.

نظر اعضاء انجمن آثار ملی ایران در مورد بنای جدید آرامگاه بوعلی بر آن بود که اصول معماری قدیم و جدید هر دو رعایت شود. با توجه بدین نکته، در خرداد ماه سال ۱۳۲۴ هـ ش طرح نقشه‌ی آن بین مهندسان و فارغ التحصیلان رشته معماری به مسابقه گذارده شد. از بین طرحهای متعددی که به انجمن رسید طرح پیشنهادی آقای مهندس «هوشنگ سیحون» که با نظر آقایان «آندره گدار» مدیر کل فنی موزه‌ی باستانشناسی و مهندس «محسن فروغی» تهیه شده بود، مورد قبول قرار گرفت و به عنوان جایزه، اجراء ساختمان بر عهده‌ی او واگذار گردید .

طرح مزبور با توجه به سبک معماری قرنی که حکیم در آن می‌زیسته از روی یکی از قدیم‌ترین و عظیم‌ترین بناهای آن عصر یعنی «گنبد قابوس»، که از شاهکارهای معماری به شمار می‌رود اقتباس گردیده است. «گنبد قابوس» به موجب کتیبه‌ی موجود بر روی بنا، به سال ۳۷۵ شمسی برابر با ۳۹۷ قمری بنا شده است و بدان جهت، بنای آرامگاهی برای «ابن سینا» بدان سبک و شیوه از هر جهت مناسب می‌نموده است. جالب آن‌جاست که گنبد قابوس در قرن پنجم بنا شده است یعنی زمانی که قسمتی از دوران زندگانی «ابن سینا» در آن سپری شده است.

در نیمه سال(۱۳۲۶ هـ . ش) انجمن آثار ملی، تصمیم به اجرای طرح ساختمان آرامگاه گرفت. در آن هنگام مهندس «سیحون» برای تکمیل مطالعات خود در پاریس به سر می‌برد. پس از آگاهی از تصمیم انجمن در خرداد ماه ۱۳۲۷ خورشیدی، طرح‌های اجرایی آرامگاه را به‌عنوان پایان‌نامه به دانشکده هنرهای زیبای پاریس تقدیم کرد و سپس در تیرماه

همان سال، آنها را برای اجرا به انجمن ارسال داشت. در اوائل سال ۱۳۲۸ بین انجمن آثار ملی ایران و شرکت ساختمان‌های کشور (شرکت نسبی مهندس ابتهاج و شرکاء) قرارداد قطعی ساختمان بسته شد و در خرداد ماه همان سال، کار بنای ساختمان آرامگاه آغاز گردید. پس از تخریب مقبره‌ی قدیم و گشودن قبر «ابوعلی سینا» و «ابوسعید»، جمجمه و قسمتی از استخوان های ابوعلی و قسمتی از استخوانهای ابوسعید که باقی مانده بود با حضور افراد معتمد و موثق، پس از تهیه صورت‌جلسه، در جعبه‌های مخصوص نهاده و مهر و موم شد تا پس از آماده شدن آرامگاه جدید، مجدداً دفن گردد .



تندیس «ابوعلی سِنا» در ازبکستان

طراح بنا، طرح خود را به نحوی پیش بینی کرده بود که هم یادآور یکی از مقابر عصر زندگی «ابن سینا» و هم نشانه ای از تکامل فن معماری جدید باشد. این است که معمار بنا در قسمت زیرین، روحیه‌ی بناهای مصر، ایران و یونان قدیم را با تمام عظمت و جلال آنها نشان می‌دهد و در قسمت زبرین، روش معماری مقبره‌ی «قابوس» رعایت شده است.

بدین ترتیب، طراح ساختمان نشان داده است که «ابن سینا» یک فیلسوف و متفکر بزرگ اسلامی است که بنای افکارش بر علوم و اطلاعاتی که ازملل قدیمه رسیده، قرار دارد. سنگ‌های خشنی که با ابعاد نسبتاً بزرگ در قسمتهای زیرین بنا به کار رفته، روحیه‌ی استحکام و قدرت را ظاهر می سازد و ظرافت آمیخته با عظمتی که در برج و پایه‌های آن دیده می شود، تفاوت آن‌ها را با سنگ‌های خشن نشان می‌دهد.

باغچه ها و چشمه‌هایی که در حیاط ورودی ساختمان کارسازی شده، نمونه‌ی کوچکی از باغ‌های معلق «بابل» همراه با طراوتی مشرق زمینانه است. زمین محوطه و زیر بنای آرامگاه جمعاً سه هزار و نود متر مربع بوده است. که اکنون به هفت هزار افزایش یافته است.

ساختمان آرامگاه در سال ۱۳۳۰ به پایان رسید و در بهمن ماه همان سال به نمایندگان انجمن آثار ملی تحویل گردید. در روز پنجشنبه یازدهم اردیبهشت ماه سال (۱۳۳۱ هـ . ش) با حضور آقایان جهانسوز فرماندار همدان، ابطحی رئیس فرهنگ، ایزدیار بازرس فنی، رئیس شهربانی، نماینده انجمن آثار ملی و برخی از روحانیان پس از معاینه و بازدید، لاک و مهر جعبه‌های محتوی استخوانهای «ابوعلی» و «ابوسعید دخدوک» استخوانها با دقت کامل و رعایت موازین شرع و آداب و

رسوم معمول، کفن و دفن گردید. قبر «ابوعلی سینا» در سمت راست مدخل آرامگاه و در سمت چپ او، قبر «ابوسعید دخدوک» قرار گرفته است .

در حیاط شرقی آرامگاه، روبروی در ورودی، در مقابل خیابان «بوعلی»، قبر شاعر ملی ایران «ابوالقاسم عارف قزوینی» قرار داد و بر روی سکویی مربع که هر ضلع آن حدود یک متر است سنگ مرمری است که با خط نستعلیق زیب، مطالبی با این مضمون آمده است: «تصویری که از بن سینا در نسخه های کهن، در کتابخانه ها وکلیساها، در نسخه های قدیم کتابهای اروپایی و ترجمه های لاتین آثار او موجود است اصالت ندارد و بیشتر بر حدس و گمان متکی بوده است. از این رو انجمن آثار ملی تصمیم گرفت مجسمه‌ای از او تهیه کند. به همین دلیل لازم بود بر اساس مآخذ و مدارک موجود، تصویری از او فراهم آید. از این رو، کمیسیون‌های متعددی از دانشمندانی که با آثار شیخ و شرح حال او آشنایی داشتند تشکیل گردید و با توجه به اطلاعاتی که درباره‌ی او به قلم خود وی و نیز شاگردش ابوعبید و همچنین نوشته‌ی بیهقی در تتمه‌ی صوان الحکمهٔ به‌دست آمده است، تصمیم گرفته شد که تصویری از او به وسیله‌ی پیکر تراش معتبر، آقای ابوالحسن صدیقی تهیه گردد. استاد صدیقی، در اردیبهشت ماه سال خورشیدی، تصویری تمام چهره به قلم سیاه تهیه کرد که در بیست و یکمین جلسه هیأت مؤسسین انجمن آثار ملی، مورد تصویب واقع گردید. قرار برآن شد که همین تصویر، مبنای تهیه‌ی مجسمه‌ی ابن سینا نیز قرار گیرد. سرانجام، در دیماه ۱۳۲۸ خورشیدی، نیم‌رخی از چهره‌ی او تهیه گردید. چندی بعد از طرف انجمن آثار ملی به استاد ابوالحسن صدیقی مأموریت داده شد تا با توجه به تصویر تمام رخ ابن سینا، مجسمه‌ی ایستاده ای از شیخ بسازد تا در میدان بوعلی در شهر همدان نصب گردد. این کار نیز به عهده‌ی استاد صدیقی گذاشته شد. حاصل کار، مجسمه‌ای شد به ارتفاع سه متر و ده سانتی متر و عرض۹۰ سانتیمتر و به وزن تقریبی چهارتُن. نیمی از این تندیس از سنگ یکپارچه‌ی مرمر سفید قم تهیه شده و هم اکنون بر روی پایه‌ای در میدان بوعلی در انتهای خیابان بوعلی همدان قرار دارد.



از کارهای دیگری که کمیته‌ی جشن هزاره‌ی «ابوعلی سینا» برای بزرگداشت او لازم دانسته بود، تأسیس کتابخانه‌ای بود در جوار آرامگاه وی. در این باره نظر اعضاء انجمن این بود که چون «ابن سینا» فیلسوف و دانشمندی جهانی است، لازم است که همه‌ی محافل علمی جهان در تأسیس کتابخانه‌ی او شرکت داشته باشند. از این رو در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، با تهیه‌ی یک اطلاعیه به زبانهای فارسی ، عربی، فرانسه و انگلیسی، از همه‌ی مؤلفان، مؤسسات فرهنگی و ناشران ایرانی و خارجی درخواست شد که کتابهایی به انجمن آثار ملی ارسال دارند.

در نتیجه، کتابهای گوناگون علمی، تاریخی، ادبی و هم‌چنین کتابهایی که درباره «ابن سینا» یا از آثار آن بزرگ‌مرد بود، از کشورهای مختلف به انجمن آثار ملی ارسال گردید. هم اکنون چهارهزار و سیصد و چهل و دو جلد کتاب فارسی و عربی در کتابخانه‌ی ابن سینا موجود است که سی مجلد آن‌ها از کتابهای خطی است و برخی از آنها بسیار نفیس و قابل توجه است. ضمناً پانصد و نود مجلد کتاب به زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی و غیره نیز در کتابخانه وجود دارد .